



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرا
عند
ما صاب
الرا

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پاسخ ابد اقدیشار

استاد عالی انجمن مهندسان پوز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ بدانديشان

نويسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپي:

اعتقاد ما

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	پاسخ بداندیشان
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	حضرت شهربانو و ازدواج با امام حسین علیه السلام
۱۳	مرا رها کنید
۱۷	آیه غار
۲۵	ایمان یا نفاق
۳۰	روضه خوانی مجالس بیداری
۳۲	شهداء راه ولایت
۳۶	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: پاسخ بداندیشان/تالیف علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر: مشهد: اعتقاد ما، 1396.

مشخصات ظاهری: 30 ص

موضوع: شبهات

شناسه افزوده: مهدی پور، علی اکبر، 1324 -، مترجم

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

هنگامی که آیه شریفه: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ»⁽¹⁾ نازل شد یکی از اصحاب برخاست و پرسید: این بیوت کدام بیوت است؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بیوت الانبیاء»، ابوبکر برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا خانه علی و فاطمه از آن ها است؟ فرمود: آری، از برترین آن ها است.⁽²⁾

از آن روز دشمنان قسم خورده اسلام تلاش کردند که جایگاه این خانه را پایین بیاورند. روزی گروییج یهودی مأموریت خود را با دیدگاه جامعه شناسی انجام داده و روزی پرورش یافته نسخه برابر با اصل او، آموخته هایش را نشر داد و در ستایش استادش گفت:

ص: 4

1- _ سورة نور، آیه 36 .

2- _ سیوطی، الدر المنثور، ج 5، ص 50.

گورویچ نگاه جامعه شناسانه به چشمان من بخشید و جهتی تازه و افقی وسیع در برابرم گشود.

شهید مطهری در سال 1356 ش. به مناسبت درگذشت او نوشت:

عجبا! می خواهند با اندیشه هایی که چکیده افکار ماسینیون و افکار گورویچ یهودی ماتریالیست و اندیشه های ژان پل سارتر اگزستانسیالیست ضدّ خدا و عقاید دورکهایم جامعه شناس ضدّ مذهب، اسلام نوین بسازند، پس و علی الاسلام السّلام.

امسال در ایام فاطمیّه دو نفر از تربیت شدگان مکتب آن ها در لباس مذهب، تیشه به ریشه مذهب زده، برای پایین آوردن جایگاه صدیقه کبری علیها السلام تلاش کردند:

حضرت شهربانو و ازدواج با امام حسین علیه السلام

1. آقای گرگیچ در مسند امامت جمعه، براساس یک تاریخ ضعیف، حضرت شهربانو را از اسیران جنگی زمان خلیفه دوّم برشمرده و ازدواج امام حسین علیه السلام با او را دلیل مشروعیت خلیفه از دیدگاه مولای متّقیان علیه السلام قلمداد کرده است. درحالی که:

ص: 5

اولاً: براساس روایت شیخ صدوق قدس سره از امام رضا علیه السلام حضرت شهربانو در عهد عثمان، به هنگام فتح خراسان اسیر شده است. (1)

و بر اساس نقلی دیگر وی در عهد خلافت ظاهری مولای متقیان علیه السلام به مدینه گسیل شده است. (2)

ثانیاً: بر اساس نقل مرحوم مقرّم به هنگام اجرای عقد، او مولا را وکیل کرده و حذیفه بن الیمان از سوی امام حسین علیه السلام عقد را اجرا نموده است. (3)

ثالثاً: هرگز مولای متقیان علیه السلام فتوحات خلفا را صحّه نگذاشته و اسیران آن ها را به عنوان ملک یمین تملک نکرده است، چنانکه در مورد «خوله» مادر جناب محمّد حنفیه تصریح شده که مولا- او را به اسماء بنت عمیس سپرد، وقتی برادرش آمد، او را از برادرش خواستگاری کرد، مهریه اش را پرداخت نمود، سپس او را به همسری گرفت. (4)

ص: 6

1- _ عیون الاخبار، ج 2، ص 127.

2- _ ارشاد مفید، ج 2، ص 137.

3- _ حیاة الامام زین العابدین علیه السلام، ص 28.

4- _ الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 565.

2. آقای شیخ احمد عابدینی در هر مناسبتی مقام ائمه علیهم السلام را زیر سؤال می برد، در این ایام فاطمیّه، در مقام ستایش از موضع گیری حضرت فاطمه علیها السلام در مقابل خلیفه، تلاش نموده که برای خلیفه اول شخصیت موهومی جعل کرده، بر خلاف واقع و بر خلاف تصریح همه تاریخ نگاران و تراجم نویسان تعبیرات گزافی گفته که نیازی به پاسخ ندارد، به چند فراز از آن ها اشاره می کنیم:

(1) او می گوید: لب سخن این است که چون ابوبکر را برای ما بد جلوه داده اند، طبیعی است که حضرت زهرا علیه او قیام کند.

پاسخ: چه کسی او را بد جلوه داده است؟ اول کسی که او را بد جلوه داده، حضرت فاطمه علیها السلام بود، چون به عیادتش آمد به او اجازه نداد، پس از پادرمیانی مولای متقیان علیه السلام، ابوبکر و عمر به خدمت آن حضرت مشرف شدند، سلام کردند، جواب سلام نداد!!

پس از مطالبی که مطرح شد، فرمود:

من گواهی می دهم که شما مرا به خشم آوردید و مرا خشنود نکردید، اگر پیامبر را ملاقات کنم، از شما دو نفر به او شکایت می کنم.

ص: 7

پس از چرب زبانی ابوبکر، به او فرمود:

به خدا سوگند! در هر نمازی که بخوانم بر تو نفرین می کنم. (1)

مرا رها کنید

(2) او می گوید: معلوم می شود که از دید مردمان آن روز، ابوبکر از بهترین، یا بهترین مردمان بود، یعنی از دید آن مردم شخصیتی بهتر از ابوبکر نمی یافتند.

جواب: اولاً: او خودش بارها گفت: مرا رها کنید که من بهترین شما نیستم. (2)

ثانیاً: در خطبه اش گفت: أَلَا وَقَدْ كَانَتْ بَيْعَتِي فَلْتَةً؛ آگاه باشید که بیعت من نسنجیده بود. (3)

ثالثاً: عمر نیز همواره می گفت: إِنَّ بَيْعَةَ أَبِي بَكْرٍ كَانَتْ فَلْتَةً فَوْقَى اللَّهِ شَرَّهَا. (4)

ص: 8

1- _ الإمامة و السّياسة، ج 1، ص 20.

2- _ انساب الاشراف، ج 2، ص 273.

3- _ همان، ص 274.

4- _ همان.

یعنی: بیعت ابوبکر کاری نسنجیده بود، خداوند شرّ آن را نگه داشت.

ابن اثیر در شرح لفظ «فلته» می نویسد: فلته به چیزی گفته می شود که بدون تأمل و دقت انجام بشود، آستن شرّ و فساد و فتنه باشد و به لغزش گفته می شود. (1)

رابعاً: او خود می گوید: برای من شیطانی است که در جلد من می رود، چون به سراغم بیاید از من دور شوید. (2)

و در تعبیر دیگر گفت: برای من شیطانی است که در جلد من می رود، هر وقت خشمناک شدم، از من دوری بجوید. (3)

(3) او می گوید: آن ها فهمشان این بود که بهترین کسی که می شود جای پیامبر بنشینند، غیر ابوبکر هیچ کسی نیست، این را همه یقین داشتند.

ص: 9

1- _ التّهایة، ج 3، ص 467.

2- _ تاریخ طبری، ج 3، ص 86.

3- _ الإمامة و السّیاسة، ج 1، ص 22.

جواب: اولاً: خداوند منان امیر مؤمنان علیه السلام را بهترین امت دانسته و او را به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برگزیده و پیامبر نیز آن را در روز غدیر در حضور 120 هزار نفر اعلام کرده بود.

ثانیاً: مگر بنی هاشم و انصار جزو مردم نبودند که او را شایستهٔ خلافت نمی دیدند و بیعت نمی کردند.

ثالثاً: مگر ابوسفیان از آن مردم نبود که می گفت: ای فرزندان عبد مناف! چگونه راضی شدید که این مرد تیمی بر شما سیطره پیدا کند؟! (1)

رابعاً: ابن ابی الحدید در توجیه گفتار ابوبکر می نویسد: او راست می گوید، چون بهترین امت، علی علیه السلام است. (2)

(4) او می گوید: وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به پیامبری رسید، چه کسی ایمان آورد؟

حضرت خدیجه که خانمش بود، حضرت علی که در خانه اش بود، زید که غلام زر خریدش بود، ولی ابوبکر

ص: 10

1- شرح ابن ابی الحدید، ج 15، ص 281.

2- همان، ج 17، ص 158.

تنها کسی که بیرون از خانواده بود، نه اعتبارش و نه نانش از او نبود، ابوبکر بود.

جواب: اولاً: گستاخی بزرگی است که مولای متقیان را به جرم اهل خانه بودنش کنار بزند، درحالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همواره او را به عنوان نخستین ایمان آورنده یاد می کرد و می فرمود: **يَا عَلِيُّ! أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي؛** ای علی! تو نخستین کسی هستی که به من ایمان آورد و مرا تصدیق نمود. (1)

ثانیاً: طبری با سلسله اسنادش از محمد بن سعد روایت کرده که گفت: از پدرم پرسیدم: آیا ابوبکر اولین کسی بود که اسلام آورد؟ پدرم گفت:

لَا، وَلَقَدْ أَسْلَمَ قَبْلَهُ أَكْثَرُ مِنْ خَمْسِينَ رَجُلًا؛

نه، بلکه بیش از 50 نفر پیش از وی اسلام آورده بودند. (2)

ثالثاً: ما در کتاب «علی اول» 40 مورد از اولیات امیر مؤمنان علیه السلام را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از منابع اهل سنت نقل کرده ایم، (3) که در بسیاری از

ص: 11

1- _ الرِّیاضُ النَّصْرَةُ، ج 2، ص 208.

2- _ تاریخ طبری، ج 2، ص 231.

3- _ نشر موعود، تهران، 1379 ش.

آن‌ها از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که اول کسی که ایمان آورد، علی علیه السلام بود.

آیه غار

5) او می‌گوید: مهم‌ترین چیزی که در اسلام رخ داده و منشأ تاریخ ما شده، هجرت بود، هجرت پیامبر با چه کسی بود؟ با ابوبکر، اگر او نبود هجرت این‌گونه اتفاق نمی‌افتاد!!

آنگاه آیه غار را مطرح می‌کند و می‌گوید: منظور از «ثَانِي اثْنَيْنِ»، ابوبکر می‌باشد.

جواب: دکتر نجاح طائی با تألیف کتاب «صاحب الغار ابوبکر او رجل آخر» ما را از جواب دادن بی‌نیاز کرده و اثبات نموده که ابوبکر همراه پیامبر نبود و پیش از هجرت پیامبر به یثرب رفته بود.

جالب‌تر این‌که از عایشه پرسیدند: چه آیه‌ای در قرآن کریم در مورد خاندان شما نازل شده است؟

عایشه گفت: غیر از آیه «إفک» هیچ آیه‌ای در حق ما نازل نشده است. (1)

ص: 12

6) او می گوید: از نظر مردم آن زمان، ابوبکر بهترین آدمی بود که می بایست به حکومت برسد، باید تقویت شود و

هیچ کس حق نداشت کوچک ترین تضعیفی بکند.

جواب: ما نمی خواهیم سخنان افراد آن زمان را در مورد ابوبکر نقل کنیم، عمر از او به عنوان «ضَّئِيلَ بَنِي تَيْم» یعنی: فرد فرومایه خاندان تیم، تعبیر می کرد. (1)

«ضئیل» در لغت به معنای پست و حقیر می باشد. (2)

7) او می گوید: از دید آن ها کار حضرت زهرا کاملاً منفی بود و لذا هیچکس کمکش نکرد. اگر آمدند متعرض خانه حضرت زهرا شدند، مردم مخالف نبودند، بلکه همه موافق بودند، می گفتند: این شخص این همه فداکاری کرده، تو هم دنیا پرست شدی، دلت برای فدک پر می زند؟ بده به ابوبکر با آن لشکر اسلام را مجهز کند.

ص: 13

1- شرح ابن ابی الحدید، ج 2، ص 32.

2- لسان العرب، ج 8، ص 6.

جواب: اولاً: در این خطبه نامی از فدک برده نشده، این خطبه پیرامون توحید، نبوت، امامت، فلسفه احکام و دفاع از حقوق حقه مولا بود و در واقع استیضاح حکومت بود.

ثانیاً: در آن مقطع لشکری مطرح نبود، تا فدک را برای تجهیز آن تقدیم کند. حتی جیش اسامه که شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تجهیز کرده بود، با مخالفت اصحاب سقیفه بر زمین ماند.

ثالثاً: هیچ فداکاری از آن شخص ندیده بودند، در هیچ جنگی شمشیر نزده بود، بلکه خودش مباحثات می کرد که در جنگ ها پیش از همه از میدان فرار می کرد.

علامه مجلسی قدس سره می فرماید: همه کتاب های مغازی را گشتیم، از ابوبکر و عمر نامی پیدا نکردیم. (1)

رابعاً: این تهمت بر همه مهاجران و انصار می باشد، چه جرأت بزرگی است که می گوید: همگان با تهاجم به خانه وحی موافق بودند.

ص: 14

1- _ بحار الأنوار، ج 41، ص 60.

8) او می گوید: مردم آن زمان می گفتند: یک شخصی آمده این مسئولیت را بر عهده گرفته، از نظر آن ها او کپی پیامبر بود!!

جواب: آیا سلمان، ابوذر، مقداد، حذیفه، عمار، زبیر، بریده، خزیمه، ابی بن کعب، ابو ایوب انصاری، خالد بن سعید، سهل بن حنیف و عثمان بن حنیف از مردم آن

زمان نبودند، که بر او اعتراض کردند و با وی مجادله کردند و همه آن ها مورد آزار قرار گرفتند؟(1)

آیا انصار جزو مردم آن زمان نبودند که فریاد می زدند: «لَا تُبَايِعُ إِلَّا عَلِيًّا». یعنی: ما جز علی با احدی بیعت نمی کنیم.(2)

9) او می گوید: از دید مردم آن زمان کار حضرت زهرا شدیداً منفی بود، نه به خاطر هوای نفسشان، بلکه به خاطر حفظ دین! مردم مدینه فکر می کردند بهترین کار حفظ حکومت ابوبکر است تا اسلام بماند، لذا هیچ کس کمکش نکرد!

ص: 15

1- بحار الأنوار، ج 29، ص 79-89.

2- شرح ابن ابی الحدید، ج 2، ص 22.

جواب: اولاً: اصحاب سقیفه چنین برداشتی نداشتند و چنین عذری نیاوردند.

ثانیاً: زنان مدینه بعد از مشاهده حال حضرت زهرا علیها السلام، شب‌ها در خانه‌هایشان آرامش نداشتند، شب تا صبح گریه می‌کردند، این فریاد حضرت فاطمه علیها السلام بود که از حلقوم بانوان مدینه پخش می‌شد و آرامش را از آن‌ها می‌گرفت.

ثالثاً: سکوت مردم علامت رضایت نبود، بلکه ترس از جان و مال و ناموس‌شان بود، زیرا عمر بانگ می‌زد: به خدا سوگند! باید این حرف‌ها قطع شود وگرنه دست‌ها و پاهایشان قطع می‌شود، از شاخه‌های خرما به دار زده می‌شوند... (1)

رابعاً: سعد بن عباد از ترس اصحاب سقیفه به دمشق گریخت، عمر کسی را فرستاد در آن‌جا او را به قتل رسانید. (2)

ص: 16

1- _ أنساب الأشراف، ج 2، ص 265.

2- _ العقد الفرید، ج 5، ص 14.

خامساً: جرأت بزرگی است که ادعا می کند، نگاه مردم به کار حضرت زهرا علیها السلام منفی بود، این نگاه به خاطر هوای نفس نبود، بلکه به خاطر حفظ دین بود!

سادساً: افرادی که در خانه حضرت فاطمه علیها السلام به بست نشسته بودند، ابوبکر به عمر گفت: اگر امتناع کنند با آن ها نبرد کن، با خود آتش ببر و خانه را به آتش بکش.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: آیا آمده ای که خانه را به آتش بکشی؟ گفت: آری. (1)

سابعاً: در مورد مولای متقیان، ابوبکر به عمر گفت: او را با شدیدترین خشونت بیاور. (2)

10) او می گوید: حتی تصمیم گرفتند که علی را در مسجد هنگام نماز بکشند، گفتند: چه کسی این کار را بکند؟ گفتند: خالد بن ولید، که او را شمشیر خدا می خوانند. جوآن قدر مخالف علی و فاطمه بود که او

ص: 17

1- _ همان، ص 13.

2- _ أنساب الأشراف، ج 2، ص 269.

گفت: هر کاری دارید انجام می‌دهم، حتی اگر قتل علی باشد!

جواب: اولاً: این جوراً چه کسی به وجود آورد؟

ثانیاً: خالد بن ولید هم سرّ او بود، او از نقشه ترور آن‌ها مطلع بود، در نتیجه آمادگی اش را برای این جنایت بزرگ اعلام نمود.

ثالثاً: او را شمشیر خدا می‌خواندند، زیرا به هنگام محاصره خانه پیامبر در مکه وی یکی از مهاجمان بود و به هنگام محاصره خانه حضرت فاطمه او یکی از مهاجمان و پیشتازان بود و همواره یکی از مستشاران معمار سقیفه بود.

11) او می‌گوید: آیه: «وَلَا يَأْتِلِ أَوْلُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تَجِبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، یعنی: آنان که از شما دارای برتری مالی و وسعت زندگی هستند، نباید سوگند بخورند که از

ص: 18

انفاق نسبت به نزدیکان، مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند. (1)

او می گوید که این آیه در حق ابوبکر نازل شده، او پسرخاله ای داشت به نام مسطح، که همواره به او کمک می کرد، پس از داستان افک سوگند خورد که دیگر به او کمک نکند، پس این آیه نازل شد و وی به کمک خود ادامه داد.

جواب: اولاً: ابوبکر اهل انفاق نبود، تا به مسطح نیز انفاق کند.

ثانیاً: داستان افک ربطی به عایشه نداشت، داستان افک 180 درجه تحریف شده، عایشه و حفصه به ماریه تهمت زدند، پس از آن که آیه در پاکی او نازل شد،

عایشه ادعا کرد که به من تهمت زده اند و این آیه در تطهیر من نازل شده است و این داستان فقط از شخص عایشه نقل شده است. (2)

ص: 19

1- _ سورة نور، آیه 22.

2- _ صحیح بخاری، ج 9، ص 176.

اصل داستان را امام رضا علیه السلام به تفصیل بیان فرموده است. (1)

ایمان یا نفاق

(12) او می گوید: آیا ایمان او به درد اسلام خورد یا نه؟ بلی خورد.

جواب: اولاً: حذیفه بن یمان می گوید: سوگند به خدا! آن دو نفر به مقدار یک چشم به هم زدن به خدا و پیامبر خدا ایمان نیاوردند. (2)

ثانیاً: ایمان او کجا به درد اسلام خورد؟ آیا در یکی از جنگ ها حمله کرد، گامی به جلو نهاد، خطر دشمن را دفع کرد؟

پدر صاحب عبقات 24 صفحه پیرامون فرار اولی و دومی از جنگ ها سخن گفته است. (3)

(13) او می گوید: ابوبکر متمول بود، برای هجرت شتر لازم بود، غذا لازم بود، گوسفندانی لازم بود که به دنبال شترها راه بروند و جای قدم اشتران را از بین ببرد، همه این ها را ابوبکر تهیه کرد.

ص: 20

1- _ تفسیر البرهان، ج 9، ص 63.

2- _ بحار الأنوار، ج 28، ص 95.

3- _ تشیید المطاعن، ج 16، ص 19-62.

جواب: اولاً: مطابق تحقیق، ایشان به همراه پیامبر نبود تا این ابزار و وسائل را تهیه کند، و راهنما و راه بلد عبدالله بن اُرَیقَط بود. (1)

ثانیاً: ابوبکر در آستانه هجرت دو شتر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فروخت و پولش را گرفت، همه محدثان آن را نقل کرده اند. (2)

ثالثاً: در آن ایام او به شدت فقیر و مستمند بود. (3)

14) او می گوید: انصار برای بیعت کردن با ابوبکر دست از پا نمی شناختند.

جواب: اولاً: آنچه در تاریخ مسلم است این است که انصار برای بیعت با «سعد بن عباد» گرد آمده بودند نه ابوبکر. (4)

ثانیاً: عدّه ای از آنان سخنانی کردند و اعلام نمودند که ما هرگز با ابوبکر بیعت نمی کنیم. (5)

ص: 21

1- _ طبقات، ج 3، ص 173.

2- _ المعیار و الموازنة، ص 74.

3- _ صاحب الغار، ص 134.

4- _ الکامل، ج 2، ص 325.

5- _ همان، ص 237-332.

ثالثاً: جمعی از آن ها فریاد برآوردند که: لانبایع إلا علیاً؛ ما جز علی علیه السلام با احدی بیعت نمی کنیم. (1)

15) او می گوید: اگر ما هم آن روز بودیم مثل آن ها فکر می کردیم.

جواب: الحمدلله شما بعد از گذشت چهارده قرن مثل آن ها فکر می کنید، ولی آن شخصیتی که شما برای ابوبکر قائل هستید، آن ها قائل نبودند.

16) او می گوید: همه با تعرض به خانه حضرت زهرا موافق بودند.

جواب: اولاً: این تهمتی بزرگ بر انصار و پاکان از مهاجران می باشد.

ثانیاً: ابوبکر شخصاً از این کار نادم بود و به صراحت می گفت: ای کاش من خانه حضرت فاطمه را نمی گشودم. (2)

ص: 22

1- _ همان، ص 325.

2- _ مختصر تاریخ دمشق، ج 13، ص 123.

17) او می گوید: آن ها این قدر مخلص بودند که از کوچک ترین اشتباهی نمی گذشتند.

جواب: در اخلاص آن ها همین بس که فدک حضرت فاطمه علیهاالسلام را گرفتند، اعتراض نکردند، حضرت فاطمه علیهاالسلام را در میان در و دیوار کشتند، کسی اعتراض نکرد، حضرت محسن را شهید کردند، خم به ابرو نیاوردند.

18) او می گوید: بنشینیم و برای چادر حضرت فاطمه گریه کنیم که خاکی شده است.

جواب: اولاً: شما در شب بیست و یکم رمضان رسماً به افرادی که مشکی پوشیده بودند، اعتراض می کنید.

ثانیاً: اگر شما لیاقت گریه بر مصائب حضرت فاطمه علیهاالسلام را ندارید، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آن یاد کرده، اشک می ریخت و عرضه می داشت: بار خدایا!

لعنت کن کسی را که به او ستم کند، دچار آتش کن کسی را که حق او را غصب کند، خدایا! ذلیل کن کسی را که او را پریشان سازد،

خدایا! در آتش جهنم مخدّد کن کسی را که بر پهلویش بزند و فرزندش را سقط کند. (1)

ثالثاً: اگر شما برای شهادت آن بزرگوار متأثر نمی شوید، حضرت جواد علیه السلام در اوان کودکی سر به آسمان برافراشته، در اندیشه فرو رفته بود، امام رضا؟ع؟ فرمود: جانم به فدایت! در چه اندیشه ای فرورفته ای؟ عرضه داشت: به یاد مصائب مادرم فکر می کنم، به خدا سوگند! پیکر آن دو تن را بیرون می کشم، آتش می زنم و خاکسترشان را به دریا می ریزم.

امام رضا علیه السلام فرمود: پدر و مادرم به فدایت! تو شایسته آن مقام هستی. (2)

رابعاً: اگر شهادت حضرت فاطمه علیها السلام و مصائب آن حضرت برای شما اهمیتی ندارد، برای امام عصر علیه السلام آن قدر اهمّیت دارد که در روز عید غدیر خم آن حضرت را بسیار محزون و غمگین دیدند و عرض

ص: 24

1- _ امالی شیخ صدوق، ص 99، مجلس 24.

2- _ دلائل الإمامة، ص 400.

کردند که

امروز همه شادمان هستند و عید غدیر خم می باشد، چرا شما محزون هستید؟ فرمودند: ذکرتُ أمّی و حزنها،

لا ترانی اتّخذت لا و علاها *** بعد بیت الأحزان بیت سرور

نه هرگز پس از بیت الاحزان مادرم حضرت زهرا من بیت سرور نخواهم گرفت. (1)

روضه خوانی مجالس بیداری

(19) او می گوید: یک عدّه برای این که پول بگیرند، روضه می خوانند و مردم را در خواب نگه می دارند.

جواب: اولاً: همین روضه خوانی ها مردم را آگاه می کند، از خواب بیدار می نماید و از مبتلا شدن به شیادانی مانند حضرت عالی باز می دارد.

ثانیاً: خطرات روضه خوانی آن قدر سخت و فراوان است که درآمد روضه خوان ها در برابر آن همه مصائب، بسیار ناچیز است.

میشم تمّار بر فراز چوبه دار فضائل مولا را می گفت، ابن زیاد فرمان داد که زبانش را ببرند تا فضائل مولا را نگوید. (2)

ص: 25

1- _ وفاة فاطمة، (مرحوم مقرّم)، ص 97.

2- _ معجم رجال الحديث، ج 19، ص 100.

کمیت اسدی قوی ترین شاعر زمان خود، همواره اشعار نغز و پرمغزی در فضائل اهل بیت علیهم السلام می سرود و به تعبیر خودش سال ها چوبه دارش را بر دوش خود حمل می کرد، تا 16 نفر جلاد بر او حمله ور شدند و قطعه قطعه اش کردند.

نمونه اشعار و شرح گرفتاری هایش را سید جواد شبر نقل کرده است. (1)

عبدالله بن شداد که در سال 81 هجری به شهادت رسید همواره می گفت: دوست دارم یک روز از صبح تا ظهر بر فراز منبر فضائل مولا را بگویم، پس از آن مرا پائین بیاورند و گردن بزنند. (2)

حافظ بن سقا حدیث طیر را که در فضائل مولای متقیان علیه السلام است، نقل کرد بر سرش ریختند، شکنجه اش کردند و محل جلوسش را آب کشیدند. (3)

ص: 26

1- _ أدب الطّف، ج 1، ص 181-191.

2- _ تاریخ الإسلام ذهبي، ج 6، ص 112.

3- _ سیر اعلام النبلاء، ج 16، ص 352.

نسائی، صاحب سنن را به جرم نوشتن کتاب «خصائص امیر المؤمنین علیه السلام» داخل گونی کردند و آن قدر لگد زدند که به شهادت رسید. (1)

محمد بن جریر طبری، صاحب تاریخ طبری را، به جرم نوشتن کتاب «الولاية» از دفن در قبرستان مسلمانان جلوگیری کردند، سرانجام در خانه اش به خاک سپرده شد. (2)

جهت می از بزرگان اهل سنت به جرم نقل یک حدیث در فضائل اهل بیت علیهم السلام از سوی متوکل به 1000 ضربه شلاق محکوم شد. (3)

شهداء راه ولایت

علامه امینی قدس سره در کتاب «شهداء الفضیلة» شرح حال 400 تن از علمای شیعه را که به جرم نشر فضائل اهل بیت علیهم السلام به شهادت رسیده اند را آورده است.

ولی این شخص کم اطلاع از تاریخ، ادعا کرده که روضه خوان ها برای پیشیزی پول منبر، مردم را در خواب غفلت نگه داشته اند.

ص: 27

-
- 1- _ تهذیب الکمال، ج 1، ص 339.
 - 2- _ الکامل، ج 5، ص 74.
 - 3- _ تاریخ بغداد، ج 13، ص 288.

20) کوتاه سخن این که تلاش ایشان برای تأسیس شخصیت برای ابوبکر به جایی نرسید، در حالی که خود ابوبکر می گوید:

قد ولیتُ امرکم و لستُ بخیرکم؛

من سرپرستی امر شما را برعهده گرفتم، در حالی که بهترین شما نیستم. (1)

روزی عبدالرحمن پسر ابوبکر به نزد عمر آمد، عمر گفت:

ای حشره! ای جنبده پست و حقیر!

پسر عمر گفت: مگر او پست و حقیر است؟

عمر گفت: آری، او جانور بی ارزشی می باشد، ولی از پدرش بهتر است.

پسر عمر گفت: یعنی او از پدرش بهتر است؟

عمر گفت: و من لیس بخیر من آیه؛

آیا کسی پیدا می شود که از پدرش ابوبکر بهتر نباشد؟ (2)

ص: 28

1- _ الکامل، ج 2، ص 322.

2- _ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 2، ص 28.

روزی ابوموسی اشعری و مغیره بن شعبه با عمر خلوت کردند، صحبت ابوبکر شد، عمر فصل گسترده ای از رذالت ابوبکر برشمرد و گفت:

لَقَدْ تَقَدَّمَنِي ظَالِمًا وَخَرَجَ إِلَيَّ مِنْهَا آثِمًا؛

او با ستم بر من پیشی گرفت و با عصیان بر من خروج کرد. (1)

این بود نمی از یم، مشتی از خروار و اندکی از بسیار فضائل برجسته ابوبکر از دیدگاه نزدیک ترین یارانش.

اگر سخنان مهاجرین و انصار در نکوهش وی گردآوری شود بیش از یک کتاب چند صد صفحه ای خواهد بود و دفاعیات افراد کم سواد و بی اطلاع از کتب تاریخ، سیره و تراجم به جایی نخواهد رسید.

ما به همین مقدار بسنده می کنیم، از دیگر سخنان پریشان و بی پایه وی چشم می پوشیم.

با توجه به 20 موردی که سخنان او را عیناً نقل کردیم و پاسخ کوتاه دادیم، روشن شد که تلاش ایشان برای تأسیس شخصیت

ص: 29

ابوبکر به جایی نمی‌رسد و فصل الخطاب در حق وی، نظر معاصران ایشان است، که از آن جمله است:

- (1) عمر بن خطاب، که از وی به عنوان: «ضَّئِيلَ تَيْمٍ» یعنی: پست و حقیر قبیله تَیْم نام می‌برد. (1)
- (2) ابوسفیان، که از او به عنوان: «أَذَلَّ قَرِيشٍ» یعنی: پست‌ترین فرد قریش تعبیر می‌کرد. (2)
- (3) حضرت فاطمه علیها السلام که او را گزافه‌گوی و دروغ‌پرداز خواند و فرمود: «لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا». (3)

ص: 30

1- شرح ابن ابی الحدید، ج 2، ص 32.

2- کنز العمال، ج 5، ص 653 و 657.

3- بلاغات النساء، ص 26.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

